

## عامل های مؤثر در ازدواج موفق

### اسما زمانی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد) رشته فقه و اصول، از مؤسسه آموزش عالی حضرت فاطمه معصومه (س)، بندرعباس، پژوهشگر و فعال فرهنگی

#### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عامل های مؤثر در ازدواج موفق بصورت مروری و کتابخانه ای انجام شده است که ابتدا مقالات مرتبط با ملاک های انتخاب همسر و الگوهای ازدواج موفق از سایت های نورمگ و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و گوگل استخراج و بعد مطالب مهم استخراج و در قالب نتایج مهم آورده شدند و بعد این ملاک های مهم در دو گروه مجردها یا در شرف ازدواج و گروهی که ازدواج کرده اند و ازدواج موفق داشته اند طبقه بندی شدند و نتایج نشان داد که از نظر مجردها ملاک هایی مانند اخلاق و ارزش های اخلاقی، ایمان، مسئولیت پذیری و علاقه اولیه مهمترند و افرادی که ازدواج موفق داشته اند عشق اولیه، اعتماد، شناخت درست و انتخاب آگاهانه از ملاک های دیگر مهمتر بودند و این که هفت حیطة تناسب خانوادگی، تناسب فرهنگی، تناسب اعتقادی، تناسب اقتصادی-اجتماعی، تناسب شخصیتی، تناسب تحصیلی و رضایت والدین به عنوان ملاک های انتخاب همسر شناسایی و معرفی گردیدند.

**واژه های کلیدی:** ملاک های ازدواج، ازدواج موفق، تناسب خانوادگی، تناسب فرهنگی، تناسب اعتقادی، تناسب اقتصادی-اجتماعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## مقدمه

ازدواج یک پدیده کاملاً اجتماعی است، ضمن آنکه پاسخی به نیازها و سائقه های فطری انسان نیز می باشد. بدون تردید انتخاب همسر یکی از مهمترین تصمیم ها در طول زندگی ماست و در حقیقت همه هیجانات، تولید مثل، تربیت نسل آینده، درآمد، مسوولیت، تامین نیازها و چالش های آینده زندگی ما به آن بستگی دارد [۱].

ازدواج مهم ترین پیوندی است که بین دوفرد رخ می دهد. این پیوند، سرآغاز شکل گیری یک کانون حمایتی و عاطفی در زندگی انسان ها بوده که با تربیت نسل های بعدی و بقای زندگی بشر در ارتباط است [۲]. پدیده ازدواج، در هر جامعه از ویژگی های منحصر به فرد برخوردار بوده و تابع قوانین خاص آن جامعه می باشد. در کشور ما، ازدواج به عنوان بنیان خانواده، عبارت است از یک رابطه قانونی، عرفی و یا دینی که یک مرد را با یک زن به طور دائم یا موقت پیوند می دهد. این پیوند هرچقدر استحکام بیشتری داشته باشد، سلامت جامعه را بیشتر تامین می کند [۳]. هیچ فردی در این دنیا وجود ندارد مگر اینکه او را متعلق به یک خانواده بدانیم. از آنجا که ازدواج را مبنای تشکیل خانواده می دانیم، پس هرفردی نتیجه یک ازدواج است که می توان آن را موفق یا ناموفق نامید [۴]. ازدواج موفق معمولاً با سازگاری و رضایت زناشویی باهم به کار می روند. ازدواجی را می توان موفق نامید که در آن رضایت زناشویی زوج بالا بوده و از سازگاری و تفاهم برخوردار باشند [۵].

سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و مرد در بیشتر مواقع احساس ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. روابط رضایت بخش در بین زوج ها از طریق علاقه متقابل، میزان مراقبت از یکدیگر و پذیرش و تفاهم قابل ارزیابی است [۶]. در بین منابع موجود، یافتن تعریف جامع و قابل اتکا، برای ازدواج موفق، کار دشواری است. اما، به نظر می رسد، ازدواج موفق مفهومی فراتر از رضایت و سازگاری زناشویی باشد. زوج ها ممکن است، باهم سازگار باشند، اما رضایت از رابطه نداشته باشند [۷]. زوج های موفق، باهم سازگار بوده و احساس خشنودی و لذت نسبت به ازدواجشان دارند. همچنین زوج های موفق، خود را به عنوان افرادی توصیف می کنند، که به اهداف ازدواجشان دست یافته اند [۸]. ازدواج موفق با مفهوم کیفیت رابطه زناشویی در ارتباط است. زوج های موفق، کیفیت رابطه زناشویی خود را در سطح بسیار بالا توصیف می نمایند [۹].

کیفیت رابطه زناشویی بین دوفرد، کارکرد آتی خانواده را تعیین می کند و زیربنای سلامت روانی و جسمانی اعضای آن را شکل می دهد. ازدواج موفق، به عنوان هدفی آرمانی برای کسانی محسوب می شود که به این رابطه تن می دهند [۲]. روس و میروسکی اشاره می کنند، افرادی که در روابط حمایتی درگیر می شوند، عمر طولانی تری دارند، چرا که ازدواج و روابط حمایتی، احساس مراقبت شدگی و توانایی مقابله با بیماری ها را در فرد افزایش می دهد. پژوهش ها نشان داده

است که افراد متأهل و پابند به رابطه از سلامت روانشناختی و جسمانی بهتری نسبت به بیوه ها و مطلقه ها برخوردارند [۱۰] و [۱۱].

در ازدواج های موفق رضایت و سازگاری زناشویی نیز افزایش می یابد و این خود موجبات سلامت و رفاه جسمانی، روانی را فراهم می آورد. ازدواج موفق مجموعه ای از نیازهای روانی زوجین از قبیل عشق، مصاحبت، صمیمیت را برآورده ساخته و احساس باهم بودن و تشریک مساعی را در افراد تقویت می کند [۱۲]. از طرفی، بسیاری از نویسندگان، دو سال اول ازدواج را دوره بحرانی ازدواج می دانند و معتقدند، ثبات زندگی زناشویی در سال های بعدی افزایش می یابد [۱۳].

انتخاب همسر تحت تاثیر عوامل زیادی می باشد. یکی از عواملی که می تواند در ملاک های همسر گزینی افراد تأثیر گذار باشد ویژگی کمال گرایی آنهاست. با وجود آنکه مفهوم کمال گرایی دارای معانی متفاوتی است، اما غالب محققان برای تاکید بر معانی چندگانه آن، از یک سازه واحد استفاده کرده اند [۱۴].

هر فردی برای تصمیم گیری و انتخاب همسر آینده معیارهایی را برای خود مشخص می کند تا بر مبنای آن ها بتواند مناسب ترین فرد را انتخاب کند. گاهی افراد معیارهایشان را برای ازدواج بسیار گسترده و با جزئیات بی شمار مشخص می کنند و فکر می کنند باید طرف مقابل با تک تک معیارها همخوانی داشته باشد. این ها و مسائلی از این قبیل برخاسته از یک ویژگی روان شناختی به عنوان کمال گرایی است. کمال گراها معیارهای بی شماری برای انتخاب همسر دارند و صرف نظر کردن از هر کدام از آنها برایشان سخت و ناممکن است به طوری که امکان تصمیم گیری یا از فرد کمال گرا سلب می شود و یا ازدواج تا حدود زیادی به تعویق می افتد که شاید شرایط ایده آلی را که به دنبالش است بیابد و در نهایت احتمالاً بیزاری و خستگی نیز به وجود خواهد آمد و یا به دلیل خستگی و استیصال تصمیمی سریع و اشتباه می گیرند که بعد از ازدواج احساس پشیمانی خواهند کرد [۱۵].

پیشوایان اسلام، زیبایی زن را به مثابه یکی از نشانه های همسر شایسته مورد توجه قرار داده اند. علی رغم تأکید بر اهمیت زیبایی در انتخاب همسر، مطالعه منابع دینی بیانگر این است که زیبایی زن، در مقایسه با برخی معیارهای انتخاب همسر از اهمیت کمتری برخوردار بوده و در صورت ضرورت، به گزینش یکی از آن دو، زیبایی از اولویت برخوردار نیست. چنانچه در مقایسه بین دینداری و زیبایی زن، دینداری او [۱۶] و در مقایسه بین صلاحیت خانوادگی و زیبایی زن، صلاحیت خانوادگی او و در مقایسه بین توان باروری زن و زیبایی او، توان باروری وی ترجیح داده شده است [۱۷]. از دیدگاه اسلام جذابیت ظاهری زن، در صورت برخوردار بودن وی از سایر معیارهای کلیدی، ارزش و فضیلت محسوب می شود، حال آنکه، صرف زیبایی ممکن است زن را به تباهی کشاند.

در اسلام معیارهای انتخاب همسر در قالب شش دسته کلی شامل: دینداری و ایمان، ارزش های اخلاقی (حسن خلق، وفاداری، عفت و پاکدامنی و پرهیز از دنیا طلبی و تفاخر)، صلاحیت خانوادگی، خصوصیات جسمی (زیبایی، توانایی باروری)، ویژگی های اجتماعی و خصوصیات اخلاقی مورد توجه قرار گرفته است [۱۸].

با توجه به اهمیت روزافزون پدیده ازدواج و نقش آن در سلامت و پویایی نسل آینده و همچنین گستردگی و تنوع در معیارهای انتخاب همسر، به نظر می رسد، در این حوزه کمبودهای پژوهشی زیادی وجود داشته و انجام تحقیقات نظام دار و قابل اطمینان، بیش از پیش لازم است.

در حالی که، تعیین معیارها و شاخصه های موفقیت در ازدواج کمتر مورد توجه بوده است. از طرفی، پژوهش های صورت گرفته در حوزه ازدواج سالم، اغلب در ساختار فرهنگی و اجتماعی متفاوت از فرهنگ ایران صورت گرفته است. بدیهی است، شکل گیری یک ازدواج موفق، نمی تواند از اثرات فرهنگی و قومی بدور باشد. فرهنگ از مهمترین عواملی است که بر فرآیندها و پیامدهای روابط زناشویی تأثیر می گذارد. ارزش ها، باورها و هنجارهای فرهنگی، علاوه بر این که دیدگاه افراد نسبت به خودشان را شکل می دهند، دیدگاه آن ها به صمیمیت، عشق و روابط نزدیک را جهت می بخشد. حال سوال پژوهش این است که عامل های مؤثر و مهم در انتخاب همسر و داشتن ازدواج موفق کدامند؟

### پیشینه پژوهش

پژوهش هایی در ایران و خارج در مورد معیارهای انتخاب همسر و ازدواج موفق صورت گرفته است که برخی از آنان استخراج و نتایج آورده شده است.

نتایج پژوهش هاشمی گلمهر، امان الهی، فرهادی، اصلانی و رجبی با عنوان «ارایه الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی» نشان داد که ۲۳ مقوله استخراج شد و ازدواج موفق به مثابه یک رابطه زوجی شفاف و عاری از ابهام، به عنوان مقوله مرکزی استخراج گردید. می توان نتیجه گرفت که ایجاد یک ازدواج موفق در گرو شفاف سازی تمام و کمال موضوعاتی است که در رابطه زوجی جریان دارد به گونه ای که هر یک از همسران آنچه را که تجربه می کنند بی پرده ابراز کنند و هیچ نقطه ابهامی را برای دیگری باقی نگذارند که آن را کشف یا رمزگشایی نماید [۱۸].

نتایج پژوهش سالاری زارع، گودرزی، زندی و کریمی ثانی با عنوان «فرا ترکیب پژوهش های پیشین در راستای دستیابی به مؤلفه های ازدواج موفق در ایران» نشان داد شرایط علی ازدواج موفق شامل: همایندی در پیشرفت و همراهی زندگی، شرایط مداخله گر شامل: فردیت یابی و احترام به فردیت یکدیگر، وظیفه شناسی و تعهد پذیری زوجین، شرایط زمینه ای شامل: اثرات خانواده مبدأ، امور دینی و معنوی، داشتن لق مثبت، شناخت ازدواج هم کفو، آراستگی و مرتب بودن و پختگی و سلامت روانی، تعاملات مناسب ازدواج موفق شامل: مهارت های حل تعارض و همکاری و هم فهمی زوجین، در نهایت پیامد به کسب رضایت متقابل عاطفی، اجتماعی و جنسی زوجین منجر می شود [۱۹].

نتایج پژوهش درخش، اصلانی و کرایبی با عنوان «تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی» نشان داد حرکتی در جهت نگهداری و تداوم زندگی به عنوان مقوله مرکزی و همسرگزینی آگاهانه به عنوان شرایط علی ازدواج (عشق و علاقه اولیه، استقلال نسبی، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب آگاهانه، انتخاب همراه با میل) و شرایط میانجی در پنج سطح فردی، زوجی، خانوادگی، فرهنگی-اجتماعی و والدینی طبقه بندی و ارائه شد [۲۰].

نتایج پژوهش طزری و ناعمی با عنوان « بررسی رابطه کمال گرایی با ملاک های انتخاب همسر در بین دانشجویان علوم پزشکی سبزوار » نشان داد که میانگین سنی نمونه  $21/1 \pm 2/8$  است. میانگین نمره انتخاب همسر در دانشجویان دختر  $86/2 \pm 17/8$  و در دانشجویان پسر  $92/8 \pm 17/2$  می باشد. ملاک های انتخاب همسر با ابعاد کمال گرایی دانشجویان شامل ابعاد خود محور، دیگر محور و جامعه محور ارتباط مثبت اما ضعیفی دارد که در هر سه مورد این ارتباط معنی دار می باشد [۱۵].

حاتمی و ورزنده در پژوهش خود نشان داد که مقوله شکل گیری مناسب ازدواج جزء شرایط علی برای ازدواج پایدار رضایتمند است که در بردارنده مفاهیمی همچون داشتن آگاهی نسبی پیش از ازدواج، استقلال نسبی پیش از ازدواج، داشتن علاقه اولیه، آشنایی پیش از ازدواج، انتخاب همراه با میل و انتخاب آگاهانه است. عوامل درون شخصی (نگرش های مؤثر و ویژگی های شخصیتی مناسب) و بین شخصی (منظومه زناشویی و والدینی و چند نسلی کارآمد) و فراشخصی (مالی و کاری) از جمله عوامل مداخله ای (میانجی) مؤثر در ازدواج پایدار می باشند [۲۱].

نتایج پژوهش آصفی، اسدی شورکند و تیزفهم قوی روشتی با عنوان « بررسی معیارهای گزینش همسر از دیدگاه دانشجویان مجرد » حاکی از آن بود که مهمترین معیار از دیدگاه ۸۷ درصد از پسران و ۹۲ درصد از دختران گزینه اخلاق بود. سایر معیارها شامل رازداری، منطقی بودن، تحصیلات و مسئولیت پذیری نیز دارای اهمیت فراوان بودند [۲۲].

نتایج پژوهش غلامعلی، جموری، سوری، سهیلی زاد، خزایی، نوریان و باقر با عنوان « معیارهای ازدواج در زوجین شرف ازدواج مراجعه کننده به مرکز ازدواج شهرستان تویسرکان در سال ۱۳۹۴ » نشان داد که از بین معیارهای ازدواج، ۱۸۳ نفر (۸۹/۵ درصد) عشق و علاقه، ۱۷۹ نفر (۸۷/۷ درصد) عفت و پاکدامنی و ۱۷۷ نفر (۸۶/۸ درصد) سلامت روانی را انتخاب کردند. زوجین مناطق شهری در سنین بالاتر ازدواج نمودند. بین معیارهای درآمد و شغل با جنس زوجین ارتباط معنادار وجود داشت [۲۳].

نتایج پژوهش صاحبدل، زهراکار، دلاور با عنوان « شناسایی شاخص های ازدواج موفق » نشان داد، شاخص های تعیین کننده ازدواج موفق، طیف گسترده ای را در برمی گیرد. شاخص های شناسایی شده عبارت بودند از: شاخص های فردی (خودآگاهی، مسئولیت پذیری، اعتماد به نفس، تفکر سالم، انعطاف پذیری، خوش بینی، پختگی هیجانی و دلبستگی ایمن)، شاخص های تعاملی (عشق و صمیمیت، حمایت و مراقبت، صداقت با همسر، اعتماد و تعهد، تفاهم، رضایت جنسی، همکاری، هدف و برنامه مشترک، تشویق رفتارهای سالم، مدیریت تعارض، مهارت های ارتباطی، حفظ استقلال خانواده)، شاخص های مربوط به خانواده اصلی (روابط حمایتی و محترمانه با خانواده اصلی) و شاخص های فرهنگی (فضائل اخلاقی و معنوی و پایبندی به هنجارها). هریک از شاخص های بدست آمده مقوله های مختلفی را دربرمی گیرد [۲۴].

نتایج پژوهش ابراهیمی و جمالی با عنوان « بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه پیام نور گلپایگان در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ در مورد معیارهای ازدواج موفق » نشان داد بین میزان معیارهای معنوی ازدواج و میزان موفقیت در ازدواج رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. بین میزان معیارهای مادی ازدواج و موفقیت در ازدواج رابطه معکوس و منفی وجود دارد. بین میزان مشارکت همسران در مسائل زندگی و میزان موفقیت ازدواج رابطه معناداری مشاهده نشد [۲۵].

نتایج پژوهش هاشمی نژاد، حسینی و سخایی با عنوان « همسان همسری از دیدگاه روانشناسی و مقایسه آن با مفهوم کفویت در فقه » نشان می‌دهد همسان همسری یک نظریه مورد قبول در میان روانشناسان در همسرگزینی است. همسانی دینی در میان سایر جنبه‌های همسانی بیشتر مورد توجه است. از طرف دیگر، کفویت فقهی تا حد زیادی با مفهوم همسان همسری مورد تایید روانشناسان همخوانی دارد و فقه، ازدواج را در صورت برآورده نشدن شرط کفویت دینی، منع کرده است. مقایسه بین نظرات روانشناسی و مفهوم کفویت فقهی نشان می‌دهد که اولاً مطالعات روانشناسان نیز اهمیت کفویت، مخصوصاً کفویت ایمانی را مورد تایید قرار می‌دهد و آثار مفیدی برای آن ذکر می‌کند. ثانیاً فقهای امامیه، با اولویت‌بندی معیارهای انتخاب همسر، بیان می‌کنند که از برخی معیارها می‌توان چشم‌پوشی کرد مشروط به اینکه معیارهای اصلی تحقق یافته باشد، در حالی که این نوع اولویت بندی در مطالعات روانشناسان مشاهده نمی‌شود [۲۶].

نتایج پژوهش رشیدی با عنوان « بررسی اولویت معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه رازی » نشان داد که اولویت اول در معیارهای انتخاب همسر در هر دو جنس، اعتقاد و ایمان است. دومین اولویت از دیدگاه پسران، سلامت فکر و روان است در حالی که دانشجویان دختر، این معیار را اولویت پنجم خود به حساب آورده اند [۲۷]. در پژوهش دانش پور و همکاران، زوج‌ها هفت عامل اصلی را علت موفقیت خود مطرح کردند که عبارتند از: اعتماد به یکدیگر، مشورت کردن در امور زندگی، احساس صمیمیت، حل مشکلات زوجی با یکدیگر، همکاری در تربیت فرزندان، به اشتراک گذاشتن عقاید مشترک و ابراز عشق و صمیمیت [۲۸].

پژوهش آسوده و همکاران نشان داد که زوج‌های موفق به یکدیگر اعتماد دارند و در مسائل مختلف با یکدیگر مشورت می‌کنند، صادق هستند، به خداوند باور دارند، تصمیمات مشترک می‌گیرند، به یکدیگر تعهد دارند و رابطه دوستانه دارند [۲۹].

نتایج پژوهش حقیقی زاده، کرمی و سلطانی با عنوان « معیارهای گزینش همسر از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز » نشان داد که ۶۵ درصد دانشجویان شرکت کننده دختر و ۳۵ درصد پسر بودند که مهمترین معیار برای ازدواج از دیدگاه بیش از ۸۲ درصد از پسران و بیش از ۹۰ درصد از دختران اخلاق بود که بین دختران و پسران اختلاف معناداری وجود داشت. معیارهای دیگر از جمله ایمان، اعتقادات مذهبی، مسئولیت پذیری و تحصیلات جزء معیارهایی بود که بین پسران و دختران از ۳۲ تا ۸۰ درصد اهمیت داشت [۳۰].

نتایج پژوهش عباس زاده، بهی، دربندی، یوسفی و جمال زاده با عنوان « بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی زابل در سال ۱۳۸۷ » نشان داد که بین اکثر معیارهای انتخاب همسر با جنس دانشجویان ارتباط معناداری وجود داشت و فقط معیار پابندی به اعتقادات دارای ارتباط معناداری با جنس دانشجویان نبود. بیشترین اختلاف در پاسخ‌ها در زیبایی ظاهری و شغل همسر بوده که به ترتیب برای پسران و دختران از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است [۳۱].

نتایج پژوهش شهیدی و یوسفی با عنوان « بررسی مشکلات و معیارهای ازدواج دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال ۱۳۷۸ » نشان داد که ۷۱/۶ درصد از دانشجویان مشکلات اقتصادی، ۶۵/۹ درصد ترس از دروغویی و

عدم صداقت طرف مقابل و ۵۲/۹ درصد ترس از مشکلات بعد از ازدواج را مطرح نموده اند. همچنین در خصوص معیارهای ازدواج، نتایج نشان داد که ۷۱/۶ درصد از دانشجویان مسئولیت پذیری، ۸۵/۹ درصد ویژگی های اخلاقی، ۷۲/۷ درصد اصالت خانوادگی، ۵۳/۹ درصد اعتقادات دینی، ۳۴/۹ درصد وضعیت ظاهری و ۱۶/۳ درصد پولدار بودن فرد مورد نظر را مطرح کرده اند [۳۲].

نتایج پژوهش عابدی و فرح بخش با عنوان « بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان » نشان داد که شرایط سنی بین همسران، ارجحیت درآمد به موقعیت اجتماعی شغل همسر و وضعیت اشتغال همسر، ارجحیت زیبایی به ثروت، وضعیت جسمی به رشد فکری، تشابه فرد مورد علاقه با والدین تفاوت معنادار وجود دارد. در حالی که در مورد معیارهای موقعیت شغلی پدر همسر در مقایسه با پدر خود، تناسب فکری، وجود درک متقابل، محل اشتغال و سکونت، رابطه فامیلی زوجین، برقراری ارتباطات اجتماعی، میزان رشد اجتماعی، چگونگی تصمیم گیری در خصوص مسائل زندگی، میزان خودمحموری، رعایت حجاب و پوشش اسلامی، سازگاری با والدین خود، برخورداری از نگرش یکسان به نقش خانواده اختلاف معناداری وجود ندارد. همچنین مشخص شد که معیارهای اکثر دانشجویان مطابق نظریه گلبگ بر اساس مراحل پس عرفی شکل می گیرد و بر اساس نظر مازلو بیش از نیمی از دانشجویان معیارهای خود را بر اساس ویژگی های انسان سالم تشکیل می دهند و همچنین بر اساس نظریه روانکاو بیش از ۵۰ درصد از دانشجویان افرادی را ترجیح می دهند که شبیه والدین آن ها باشند. و بر خلاف نظریه سنتر و وینچ که می گویند افراد همسری را انتخاب می کنند که نیازهای آن ها را فقط ارضاء کند، پاسخ های دانشجویان حاکی از آن است که عوامل معنوی را مثل زیبایی بر ثروت، رشد فکری بر وضع جسمی، علاقمندی به همه انسان ها به جای علاقه صرف به همسر، بی توجهی به جهیزیه و مهریه را بیشتر ترجیح می دهند [۳۳].

گرانددند در بررسی خود از افرادی که ازدواج پایدار و شاد داشته اند نه موضوع را شناسایی کرد که عبارتند از: انتخاب هوشمندانه همسر، ایجاد یک هویت زوجی قوی، ایجاد برنامه زندگی و اهداف مشترک، شناسایی استرسورهای فرزندپروری، نگه داشتن نگرش هایی که به حفظ ازدواج کمک می کند، یادگیری برخورد مؤثر با تعارض، مدیریت استرس و ارتقای سلامتی، حفظ یک ارتباط قوی و آشیانه خالی (جشن دوباره با هم بودن) [۳۴].

اسکوتزکی در پژوهش خود از عوامل مؤثر بر موفقیت رابطه زوجی به دوازده مقوله اشاره می کند که عبارتند از: درک و پذیرش، رویکرد تیمی، تعهد، تجربه و بلوغ، احساس عشق و امنیت، ارتباط و صداقت، مجزا بودن، خودآگاهی و قبول مسئولیت، علایق مشترک و گذراندن وقت با یکدیگر، حمایت دوستان و خانواده، انعطاف، تعادل بین کار و خانه، شرکت در جلسات مشاوره و روانشناسی [۳۵].

۲.Grundland

۲.Skutezky

## روش تحقیق

این پژوهش مروری و کتابخانه ای و بصورت توصیفی- تحلیلی می باشد که مطالب از چندین مقاله مهم در ارتباط با ملاک های همسرگزینی و ازدواج موفق از سایت نورمگ و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و گوگل استخراج شده و سپس عامل های مهم از مقالات استخراج و طبقه بندی شده اند.

## یافته ها

اطلاعات پس از جمع آوری و استخراج مقوله ها یا ملاک های مهم به دو گروه تقسیم شده اند. برخی ملاک ها توسط افرادی بیان شده اند که هنوز مجردند یا در شرف ازدواج بودند و برخی ملاک های همسرگزینی توسط افرادی بیان شدند که ازدواج کرده اند و ازدواج موفق داشته اند.

جدول(۱): ملاک های انتخاب همسر

مجردها یا افرادی که در شرف ازدواج بودند	افرادی که ازدواج کرده بودند و ازدواج موفق داشته اند.
اخلاق و ارزش های اخلاقی	عشق و علاقه اولیه
ایمان و اعتقادات مذهبی	اعتماد به هم و استقلال نسبی
مسئولیت پذیری	آشنایی یا شناخت پیش از ازدواج(ازدواج هم کفو)
عشق و علاقه	انتخاب آگاهانه و با میل
اصالت خانوادگی	مسئولیت پذیری
سلامت جسمی و روانی	انعطاف پذیری و صداقت
زیبایی ظاهری	منطقی بودن و ارتباط سالم
معیارهای مادی و شرایط اقتصادی(درآمد-شغل)	وقت گذاشتن برای هم
منطقی بودن	تعهد پذیری
تحصیلات	شناخت ویژگی های شخصیتی و احترام به فردیت هم
خصوصیات اجتماعی و اخلاقی	پختگی و سلامت روان و جسمی
رازداری	وضعیت ظاهری و آراستگی
متعهد	ابراز احساسات و انتظارات
کمال گرایی	تقویت احساس با هم بودن و همکاری
سن	سازگاری و رضایت جنسی بالا
	یادگیری مهارت های زندگی
	یادگیری مهارت های مدیریت تعارض



تبادل بین کار و خانه	
برآورده شدن نیازهای روانی (عشق-مصاحبت و صمیمیت)	
توجه و احترام به خانواده های مبدأ	
فضائل اخلاقی و معنوی	
اعتماد به نفس	
خوش بینی و پختگی هیجانی	
تفکر سالم	
دل بستگی ایمن	

در جدول فوق مهمترین مواردی که از نتایج تحقیقات استخراج شده است آورده شده اند و این را نشان می دهد که در ملاک های افراد مجرد با فرضیاتی بین افراد جامعه است متفاوت است مثلا افراد جامعه می گویند که پسران بدنبال دختران زیبارو و این که پدرانشان پولدار باشند هستند ولی واقعیت امر این نیست و جدول مجردها نشان می دهد که اخلاق و ارزش های اخلاقی، ایمان، مسئولیت پذیری و علاقه اولیه مهمترین تا زیبایی و ثروت. و در جدول افرادی که ازدواج موفق داشته اند عشق اولیه، اعتماد، شناخت درست و انتخاب آگاهانه از ملاک های دیگر مهمترینند. حال تمام مطالب بالا بصورت چند حیطه کلی توضیح داده شده اند که از مهمترین ملاک های انتخاب همسرگزینی می توان نام برد. اگر ازدواج در چهارچوب درستی نباشد، به جای اینکه آرامش دهنده باشد آرامش را برهم می زند و یا به جای اینکه با کسی رابطه صمیمانه ای پیدا کنیم، ممکن است همیشه با او زندگی کنیم، اما کاملا تنها باشیم. بنابراین، باید چهارچوب های اساسی انتخاب همسر را به خوبی بدانیم تا با انتخاب درست به نیازهای بیولوژیک و روانی خود، پاسخ صحیح دهیم [۳۶].

### تناسب خانوادگی در مسأله ازدواج زن و شوهر

به طور کلی، انسان ها در بستر خانوادگی شکل می گیرند. چهارچوب خانواده و آنچه که به عنوان شکل گیری شخصیت در خانواده وجود دارد، از خانواده ای به خانواده دیگر فرق می کند؛ یعنی هر خانواده بسته به زمینه فرهنگی و تربیتی ای که دارد در فرد تأثیر متفاوتی می گذارد؛ چرا که نقش تربیت در شکل گیری شخصیت مهم است. خانواده نقش مهمی در شکل گیری شخصیت دارد، بنابراین افراد در انتخاب همسر، زمانی در کنار کسب نیازهای روانی (که به مراتب مهم تر از نیازهای بیولوژیک هستند)، درست پاسخ می گیرند و از اضطراب جدایی یا ترس از تنهایی نجات می یابند که دو نفر، از نظر خانوادگی متناسب باشند.

انسان‌ها، محصول خانواده‌شان هستند؛ پس بهتر است در زمان گزینش همسر، او را از داخل بستر خانواده دیده و انتخاب کنند و دقت کنند که آیا فرد مورد نظر، از نظر خانوادگی با آنها تناسب دارد یا خیر؟ در اینجا، مفهوم خانواده زمینه‌های تربیتی را باز می‌کند. مثلاً فردی می‌گوید که ما از نظر خانوادگی به هم می‌خوریم. آیا به طور خاص، بستر فرهنگی و شیوه‌های تربیتی رایج در خانواده را بررسی کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند؟ گاهی دو نفر با هم ازدواج می‌کنند و از نظر فرهنگی و خانوادگی به هم شبیه هستند، اما شیوه‌های تربیتی آنها متفاوت است! مثلاً در خانواده پسر، زن جایگاه و ارزشی ندارد.

### تناسب فرهنگی در مسأله ازدواج زن و شوهر

ما تناسب فرهنگی داریم، آنها از نظر فرهنگ با ما متفاوت‌اند؛ راستی فرهنگ یعنی چه؟ فرهنگ یعنی بایدها و نبایدهایی که تعیین تکلیف می‌کند. آن، به ما می‌گوید چه چیزی درست است و چه چیزی غلط؟ چه کاری باید انجام شود و چه کاری نباید صورت گیرد؟ از آنجا که فرهنگ‌ها با هم متفاوت هستند، بایدها و نبایدهای آنها نیز فرق می‌کند. به عنوان مثال، بایدها و نبایدها در فرهنگ آذری‌ها بسیار متفاوت‌تر از بایدها و نبایدهای فرهنگ شمالی‌هاست؛ حتی گاهی نباید یکی، باید دیگری است.

انسان در فرهنگ خود به طور ناخودآگاه احاطه شده است. از صبح که بیدار می‌شویم این فرهنگ ماست که می‌گوید چطور بیدار شویم و با خانواده چگونه رفتار کنیم، چطور حرف بزنیم و چگونه غذا بخوریم و... هیچ کاری نیست که به فرهنگ ارتباط نداشته باشد. بنابراین، لازم است که دختر و پسر از نظر فرهنگ اجتماعی به یکدیگر نزدیک باشند. فاصله‌های فرهنگی زیاد، زندگی این دو را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد.

حال اگر دو نفر همه خصوصیات‌شان (که ذکر شده و خواهد شد) با هم همخوانی داشته باشد ولی تناسب فرهنگی نداشته باشند چگونه برخورد کنند؟ اینجاست که باید از فرهنگ یکدیگر آگاه شوند و آن را بپذیرند؛ این مهم است؛ نه اینکه آن را مسخره کرده و بگویند چه بیخود است! اگر این آگاهی و پذیرش باشد، به گونه‌ای هم‌فرهنگ می‌شوند.

### تناسب اعتقادی در مسأله ازدواج زن و شوهر

اعتقادات و باورها، جنس محکمی دارند و به خاطر هیچ‌کس نمی‌آیند و بروند. اگر دو نفر که با هم ازدواج می‌کنند، این تناسب را ندارند، بدانند که اعتقادات تغییری نمی‌کند مگر براساس شناخت. به عنوان مثال، دختری به حجاب اعتقاد ندارد. پسری با او ازدواج می‌کند و می‌گوید به خاطر من حجاب بگذار. ممکن است دختر بپذیرد ولی اعتقادی به آن ندارد. حجابی که به خاطر پسر می‌آید، روزی که دختر خاطر پسر را نخواهد و کوچک‌ترین اختلافی پیش آید، برداشته می‌شود. وقتی انسان محجبه و نمازخوان می‌ماند که اعتقاداتش را پیدا کند، نه اینکه «به خاطر...» باشد. اگر فردی بی‌اعتقاد است، باید در ابتدا حوزه آشنایی او را پیدا کرد تا او با مطالعه و تحقیق به اعتقاد محکمی برسد، نه اینکه به خاطر دیگری اعتقاد ظاهری پیدا کند.

**تناسب اقتصادی- اجتماعی در مسأله ازدواج زن و شوهر**

طبقه اقتصادی- اجتماعی، یک نوع نگرش به زندگی ایجاد می‌کند. وقتی دو نفر از لحاظ طبقه اقتصادی- اجتماعی با هم فاصله زیادی دارند، نگرش به زندگی و رفتارشان با هم متفاوت است. گاهی آدم‌هایی متعلق به طبقه اقتصادی- اجتماعی بالا نیستند ولی با فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی به این طبقه می‌رسند و صاحب خانه، ماشین، ویلا و... می‌شوند. اما مردم در یک برخورد یا یک نگاه به آنها می‌گویند تازه به دوران رسیده! و این، نوع رفتار و نگرش آنهاست که مردم را متوجه این موضوع می‌کند.

طبقه اقتصادی- اجتماعی به انسان‌ها یک نگرش، رفتار و بینش به زندگی می‌دهد. بنابراین وقتی دو نفر از دو طبقه اقتصادی- اجتماعی متفاوت ازدواج کنند، از نظر نوع نگاه به زندگی خیلی با هم فرق دارند و نگرش آنها به زندگی خیلی متفاوت است؛ به همین دلیل دچار مشکلات بسیار می‌شوند.

**تناسب شخصیتی در مسأله ازدواج زن و شوهر**

هر انسانی شخصیت ویژه خود را دارد. اگر دو نفر که ازدواج می‌کنند، تفاوت‌های شخصیتی زیادی داشته باشند در رابطه خود دچار مشکلات زیادی می‌شوند. فرض کنید فردی از نظر شخصیتی برون‌گراست و راحت ابراز احساسات و عواطف می‌کند و بیشتر دوست دارد در جمع باشد؛ این فرد با کسی ازدواج می‌کند که انسانی درون‌گراست و ابراز احساسات برایش سخت است، حضور در جمع برایش خوشایند نیست و ارتباط برقرار کردن با افراد برایش دشوار است. این دو در طولانی‌مدت دچار مشکل می‌شوند؛ با هم هستند ولی احساس تنهایی می‌کنند. جالب اینجاست که در ابتدا به خاطر خصوصیات متضادی که دارند، خیلی جذب همدیگر می‌شوند ولی به تدریج از هم فاصله می‌گیرند چون با هم تناسب ندارند و نمی‌توانند نیازهای همدیگر را برآورده کنند.

**تناسب تحصیلی در مسأله ازدواج زن و شوهر**

این تناسب هم نقش مؤثری دارد. اما چون تحصیلات اکتسابی است (یعنی اگر امروز نیست فردا می‌تواند باشد)، جزء مسائلی است که می‌گوییم اگر همه شرایط را دارند و بالقوه می‌توانند ادامه تحصیل دهند، در این ازدواج مشکلی پیش نمی‌آید.

اگر دختر فوق‌لیسانس و پسر لیسانس است، اشکالی ندارد (در حالی که به غلط جا افتاده که شوهر باید بالاتر باشد) ولی اصولاً بهتر است که هر دو هم‌سطح باشند. گاهی دو نفر از مقطع لیسانس با هم آشنا می‌شوند و ازدواج می‌کنند. پسر دکترا می‌گیرد ولی دختر در همان مقطع مانده است. کم‌کم از هم فاصله می‌گیرند و فضای فکری آنها بسیار متفاوت می‌شود.

## رضایت والدین در مسأله ازدواج زن و شوهر

از آنجا که عدم رضایت والدین تا سال‌های بسیار طولانی و حتی تا آخر زندگی تأثیر خود را دارد، خوب است که دو نفری که می‌خواهند ازدواج کنند، حتما خانواده‌هایشان را رضی باشند و اگر نیستند باید آنها را متقاعد کرد. باید دلایل مخالفت را دانست چرا که اغلب تجربه آنها باعث می‌شود که دلایل درستی را مطرح کنند و نباید عدم رضایت را سرسری گرفت و باز هم اگر برخلاف همه تلاش‌ها رضی نشدند، شایسته است تا گرفتن رضایت صبر کنند یا به ازدواج دیگری فکر کنند. چرا که حقیقت امر این است که رضایت والدین تا زمانی که زندگی می‌کنند تأثیر خودش را دارد. بنابراین ازدواج مهم‌ترین تصمیم زندگی انسان است. بدیهی است جدی گرفتن این مسئله و دقت در تمام جوانب می‌تواند زندگی موفق‌تری را رقم بزند. در غیر این صورت، پشیمانی و پریشانی نتیجه ازدواج عجولانه خواهد بود [۳۶].

## نتیجه‌گیری

در حالت کلی، انسان موجودی اجتماعی است و نمیتواند بدور از هم‌نوعان خود زندگی با دوام و با کیفیتی را دنبال کند. او به شبکه اجتماعی نیاز دارد. این شبکه می‌تواند خانواده، اقوام و دوستان و جامعه‌ای باشد که او در آن زندگی می‌کند. ازدواج و خانواده بخش اولیه و کوچکی از این شبکه اجتماعی است که موجبات تولید نسل و بقای انسان را فراهم می‌کند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افرادی که از این شبکه‌ها برخوردار نیستند دچار احساس تنهایی می‌شوند که موجب ضعیف شدن سیستم ایمنی بدنشان می‌گردد. تعداد دفعاتی که افراد متأهل به خدمات درمانی نیاز پیدا می‌کنند بسیار کمتر از تعداد دفعاتی است که افراد مجرد و یا طلاق گرفته به این سرویس‌ها نیاز پیدا می‌کنند. بنابراین ازدواج به عنوان کوچکترین خانه از این شبکه اجتماعی می‌تواند در حفظ و بقای سلامتی روحی، جسمی و روانی افراد تأثیر بسزایی داشته باشد. از طرفی ازدواج که یکی از مراحل مهم در زندگی افراد به شمار می‌رود، در آن فاکتورهای مهم از جمله: جنبه‌های اجتماعی، مادی، اعتقادی - فرهنگی و جنبه روانی دخیل هستند [۳۶].

توجه به نقش اساسی خانواده و شیوه‌های تربیتی در رشد و شکل‌گیری شخصیت فرزندان اهمیت ویژه‌ای دارد. پس بهتر است که بستر خانواده، این کانون پرارزش رشد را از معیارهای سلامت روان و نشانه‌های خطر آگاه‌نماییم تا از افراط و تفریط دوری کنند. هر فرآیند انتخابی حتما نیاز به برنامه‌ریزی درست و دقیق جهت بهتر اجرا شدن آن دارد و هر گونه برنامه‌ریزی درست و دقیق حتما نیاز به آموزش دارد.

متخصصان خانواده معتقدند که مشکلات و آسیب‌های روانی - اجتماعی افراد برگرفته از روابط درون خانوادگی است، از این رو خانواده می‌تواند از سویی کانون شکل‌گیری مشکلات و از سوی دیگر محور التیام بخشی و درمان مشکلات باشد [۱۲]. داشتن یک خانواده سالم و حمایت‌کننده نقش اساسی در شکل‌گیری شخصیت سالم فرزندان و تعیین روابط بین فردی آنها برعهده دارد. حمایت والدین و نحوه برخورد آنها با ازدواج فرزندان از عوامل اصلی و تعیین‌کننده در ازدواج سالم و پایدار به شمار می‌رود [۴].

نقش خانواده در بهینه سازی سن ازدواج و پیشگیری از انحرافات اخلاقی جوانان، نقش مهم و اساسی است. والدین می توانند با اقدام به موقع برای ازدواج فرزندان و دست برداشتن از سختگیری های بی مورد، رسومات و سنت های غلط، و انتظارات و توقعات نابجا از فرزندان، زمینه ازدواج به موقع آن ها را فراهم نموده و به مسئولیت دینی و اخلاقی خود، عمل کنند.

در کنار عوامل ذکر شده، نقش عوامل فرهنگی را نیز نمی توان نادیده گرفت. فرهنگ کشور ما، دارای خصوصیات جمع گرایی بوده که در آن، خصایصی از قبیل گذشت، فداکاری و ایثار برای دیگران، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور ما، بیش از پیش فضایل اخلاقی، معنویت و قناعت را مورد تاکید قرار داده و از فردگرایی و صفات خودخواهانه دوری می جوید. پس بطور کلی افرادی که قصد انتخاب همسر دارند می بایست ملاک هایی مانند تناسب خانوادگی، تناسب فرهنگی، تناسب اعتقادی و مذهبی، تناسب اقتصادی- اجتماعی، تناسب شخصیتی، تناسب تحصیلی توجه کنند و با رضایت والدین همدیگر باشد و از این رو می توان گفت که نیاز جوانان قبل از ازدواج به برگزاری دوره های آموزشی در خصوص مهارت های زندگی، آموزش ملاک های مناسب انتخاب همسر وجود دارد و برگزاری دوره های آموزشی در قالب کلاس های فوق برنامه برای دانشجویان دانشگاه مناسب می باشد.

## منابع

- [1].Navabinejad, N . ( 2009 ). Marriage Counseling and Family Therapy , Published by; Parents– Teachers Association Of The Islamic Republic Of Iran. ( PERSIAN )
- [2].Myers,J.E ,. Madathil,J.&Tingle,L.R.(2005). Marriage satisfaction and wellness in india and the U.S:a preliminary comparison of arranged marriages and marriages of choice. Journal of counseling and development. 83. 183-190.
- [3].Sarookhani.B (2006). An introduction to family sociology. Tehran. Srosh publications.
- [4].Segrin,C. &Flora,J.(2005). Family communication.London:Lawerence Erlbaum associates Publishers.
- [5].Bradbury, T.N., fincham, F.D .& beach, S.r.h.(2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction .journal of marriage and family .vol. 62. Pp. ۹۶۴-۹۸۰.
- [6].Fathi ashtiani.A. Ahmadi. Kh. (2004). The investigation of successful and not successful marriages in students. Tow monthly journal of behaviour scientific. 7. 9-16.
- [7].Sanaii,.B (2008). Family and marriage scales.tehran: beesat publications.  
Sarookhani.B (2006). An introduction to family sociology. Tehran. Srosh publications.
- [8].Luquet,.w.(2007). Short term couple therapy. London:Taylor & Francis Group.

- [9].Madathil.J.,& Benschhoff, J. (2008). Importance of marital characteristics and marital satisfaction: A comparison of Asian Indians in arranged marriages and Americans in marriages of choice. *The Family Journal*. 16(3). 222-230.
- [10].Ross, C.E.&Mirowsky, J. (1999). Parental divorce, life-course disruption and adult depression.*Journal of marriage and family*. 61. 1034-1045.
- [11].Kim, H.K. &Mckenry, P.C.(2002). The relationship between marriage and psychological well-being.*journal of family issues*. 23. 885-911.
- [12].Sattir.v. (2009). *Humanity in family psychology*. Translated by behrooz birashk. Tehran. Roshd publications.
- [13].Mckenzie,P.T.(2003). Factors of successful marriage: accounts from self described happy couples. In partial fulfillment of the requirements for the degree of philosophy. Harvard university.
- [14].Besharat, M. A. , Askari, A. , Bakhsh, S. G., Movahedi Nasab, A. A. (2010).Perfectionism and physical health;the mediating effect of positive and negative emotions. *Psychology*, 26 ,136, 123. ( PERSIAN )
- [۱۵]. طزری، سمیه. ناعمی، حسن(۱۳۹۵). بررسی رابطه کمال گرایی با مالک های انتخاب همسر در بین دانشجویان علوم پزشکی سبزوار، کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و رفتاری، تهران.
- [16].Ameli S Z A. *Ar-rowzatol Bahia fi Sharhel Lomatad Dameshghia*. Qom. Davari; 1989 (5) [Arabic]
- [۱۷].Majlesi M B. *Beharol Anwar*. Bayrot. Moasssatol Wafa; 1982 (1,51,57) [Arabic]
- [۱۸]. هاشمی گلمهر، مجید. امان الهی، عباس. فرهادی، حمید. اصلانی، خالد.رجبی، غلامرضا(۱۳۹۹).ارایه الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی، فصلنامه علمی پژوهش های مشاوره، انجمن مشاوره ایران، جلد ۱۹، شماره ۷۶، ص ۱۷۱-۱۴۱.
- [۱۹].سالاری زارع، زینب. گودرزی، محمود. زندی، فرزاد. کریمی ثانی، پرویز(۱۳۹۸). فراترکیب پژوهش های پیشین در راستای دستیابی به مؤلفه های ازدواج موفق در ایران، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال ۲۰، شماره ۴، ص ۲۴-۳۶.
- [۲۰].درخش، علی. اصلانی، خالد.کرایبی، امین(۱۳۹۸).تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی، فصلنامه پژوهش نامه زنان، سال دهم، شماره اول، ص ۷۳-۹۷.
- [۲۱].حاتمی ورزنده، ابوالفضل. اسمعیلی، معصومه. فرح بخش، کیومرث. برجعلی، احمد(۱۳۹۵). ارائه الگوی ازدواج پایدار رضایتمند، یک پژوهش گراند تئوری، مجله مشاوره و روان درمانی خانواده، سال ۶، شماره ۱، ص ۱۴۹-۱۲۰.

- [۲۲]. آصفی، منیره. اسدی شورکند، آرزو. تیزفهم قوی روشتی، توران (۱۳۹۴). بررسی معیارهای گزینش همسر از دیدگاه دانشجویان مجرد، همایش ملی بهداشت و سلامت جوانان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه.
- [۲۳]. غلامعلی، بهزاد. جموری، سمیه. سوری، اصغر. سهیلی زاد، مختار. خزایی، سلمان. نوریان، فاطمه. باقر، محمد (۱۳۹۴). معیارهای ازدواج در زوجین شرف ازدواج مراجعه کننده به مرکز ازدواج شهرستان توپسرکان در سال ۱۳۹۴، مجله علمی پژوهان، دوره ۱۴، شماره ۴، ص ۳۸-۴۷.
- [۲۴]. صاحبدل، حسین. زهراکار، کیانوش. دلاور، علی (۱۳۹۴). شناسایی شاخص های ازدواج موفق (یک مطالعه کیفی)، پژوهش های روانشناسی بالینی و مشاوره، سال ۵، شماره ۲، ص ۳۲-۴۶.
- [۲۵]. ابراهیمی، فاطمه. جمالی، مهدی (۱۳۹۳). بررسی دیدگاه دانشجویان دانشگاه پیام نور گلپایگان در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ در مورد معیارهای ازدواج موفق، همایش ملی جایگاه و نقش زنان در مدیریت جهادی، تربت حیدریه.
- [۲۶]. هاشمی نژاد، سیده سمیه. حسینی، سیدحمزه. سخایی، سید محمود (۱۳۹۳). همسان همسری از دیدگاه روانشناسی و مقایسه آن با مفهوم کفویت در فقه، دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت، دوره اول، شماره سوم، ص ۵۰-۶۰.
- [۲۷]. رشیدی، علیرضا (۱۳۹۱). بررسی اولویت معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه دانشجویان پسر و دختر دانشگاه رازی، مجله فرهنگ در دانشگاه اسلامی، دوره ۲، شماره ۲.

[28]. Daneshpour, M., Asoodeh, M. H., Khalil, S., Lavasani, M. G., & Dadras, I. (2011). Self described happy couples and factors of successful marriage in Iran. *Jornal of systemic therapies*, 30, 2, 43-64.

[29]. Asoodeh, M. H., Khalili, S., Daneshpour, M., & Lavasani, M. GH. (2010). Factors of successful marriage: accounts from self described happy couples. *Procedia social and behavioral sciences*, 5, 2042-2046

- [۳۰]. حقیقی زاده، محمدحسین. کرمی، خدابخش. سلطانی، تینوش (۱۳۸۹). معیارهای گزینش همسر از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اهواز، مجله علوم پزشکی جندی شاپور، دوره ۲، شماره ۲، ص ۴۴-۵۴.
- [۳۱]. عباس زاده، محمد. بهی، مهدی. دربندی، محمدعلی. یوسفی، محمود. جمل زاده، فیصل (۱۳۸۹). بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی زابل در سال ۱۳۸۷، مجله دانشگاه علوم پزشکی زابل (رستمینه)، دوره ۲، شماره ۳، ص ۸۰-۸۸.
- [۳۲]. شهیدی، محسن. یوسفی، فالح (۱۳۸۰). بررسی مشکلات و معیارهای ازدواج دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال ۱۳۷۸، طب و تزکیه، شماره ۴۳، ص ۴-۹.
- [۳۳]. عابدی، داریوش. فرح بخش، کیومرث (۱۳۷۹). بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، طب و تزکیه، شماره ۳۹، ص ۳۴-۴۲.

[34]. Grundland, D. (2016). The lived experience of long-term happily married heterosexual individuals. San Diego. In partial fulfillment of the requirements for the degree of doctor of psychology.

[35].Skutezky, R. E. (2013). What helps and hinders a successful marriage: categories and reflections on defining successful marriage. The Adler school of professional psychology.

[۳۶]. رجائی، لیلا(۱۳۹۳). ازدواج جوانان، معاونت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اداره سلامت جوانان، دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس.

